

نگاهی دیگر به دو ماه گذشته

دعوا سر چیست؟



وحید جلیلی، قائم مقام رئیس سازمان صداوسیما در امور فرهنگی و دبیر ستاد تحول رسانه ملی، در جمع گروهی از فعالان دانشجویی پیرامون وقایع اخیر تحلیلی جمعی ارائه کرده و گفت: کسانی که چهل سال است برای آرزوهای ناکامشان، روز شماری می کنند و نظام، طبق پیش بینی های شان تابه حال، بارها و بارها در دهه شصت، هفتاد، هشتاد و نود سقوط کرده است، چه طور می توانند به دیگران بزرگ «واقع بینی» بفروشند و به ما تصور درستی از واقعیت بدهند؟

وی، با اشاره به این که هم غرب و هم غرب زاده ها از زاویه خودشان به ایران نگاه می کنند و البته در مواجهه با ایران نه تماشاگر و پژوهشگر بلکه بازیگر و کششگر فعال هستند، افزود: آیا کسی می تواند در معرض بودن آن ها تشکیک کند؟ ما جمهوری اسلامی هستیم و باید بتوانیم مسایل و واقعیت های روزمره مان را با معارف خودمان و بر اساس تجربه زیست دینی و انقلابی مان بفهمیم. نمی شود دشمنان و مغرضان، برای ما کلمه و گزاره تولید کنند و مفهوم بسازند و ما با کلیدواژه های آن ها از واقعیت اجتماعی و تاریخی مان، تصویر به دست بیاوریم. قلمدان وقتی از لحاظ نرم افزاری به ادیبانی که بیگانه گان و مغرضان تولید می کنند متکی یا آلوده بشویم، در رفتارهای مان هم، تحت تاثیر همان ها، عمل یابی عملی خواهیم کرد.

جلیلی با توضیح این که همه سرمایه گذاری هایی که روی شبکه های بی بی سی، ایران اینترنشنال و منو تو و... از یک سو و سلبریتسیم آکادمیک از سوی دیگر می شود، برای ساختن همان تصویر توهمی است، گفت: البته نمی خواهیم بگوییم گزاره های آن ها را نادیده بگیریم. اتفاقاً معتقد هستیم آن ها را با هم بشنویم، ولی تلاش کنیم ببینیم آیا منظومه معرفتی - تجربی خود ما، از آن ها و زاویه دیدهایی در اختیارمان قرار نمی دهد تا درک بهتری از میدان پیدا کنیم؟

وی که معتقد است با دو نظام تحلیلی روبرو هستیم، افزود: گروهی در طی ۴۰ سال گذشته، بارها و بارها از فریبنازی و سقوط و نابودی نظام جمهوری اسلامی ایران در آینده نزدیک خبر داده اند و گروهی دیگر تحت تاثیر جوسازی ها قرار نگرفته و مسیر انقلاب را پیش برده اند و ضمن توجه به کلیتی ها و خط لحنها، ظرفیتها و چشم اندازهای تاریخی و جهانی را مدنظر قرار داده اند. با گذشت چهار دهه به راحتی می شود دید که کدام گروه در توهم بوده و کدام «واقع بینانه تر» تحلیل کرده اند.

قائم مقام رسانه ملی در امور فرهنگی، وقایع و نا آرامی اخیر در کشور را ماجراجویی کهنه بازرگی تازه دانست و اذعان داشت: ماجراهای اخیر از زاویه تاریخی و معرفتی، تاریخی ندارد. البته مثل دفعات قبل، می گویند نه این بار اتفاق متفاوتی افتاده است! بعضی از جوانان را نشان می دهند که ببینید این ها دارند می رقصدند یا فحش می دهند پس دیگر معاوم شد انقلاب شکست خورده است و نظام آینده ای ندارد. لنگار ما دوره نوجوانی خودمان را در دهه شصت فراموش کرده ایم! آن زمان «پاتک» ها بودند، رقص «پریک» بود، «مایکل جکسون» بود... این طور نبود که در مدرسه و محافل این جلوها را ببینیم و بخشی از جامعه درگیر این ها نباشد. از راهایش فرق می کرد، آن زمان در ویدئو، علاقه شان را دنبال می کردند، حالا در اینترنت... پس این طور نیست که بایک وضعیت تجربه نشده غیر مترقبه ای مواجه باشیم.

وی افزود: یادمان نباید در اوج دفاع مقدس و در سال هایی که ۲۰۰ هزار شهید دادیم، اقلیتی در جامعه بود که همان زمان، دلبستگی به غرب را داشت، آرمان شهرش یک دنیای غرب زده، بی هویت و بی آرمان بود.

یادمان نرفته بعضی ها بعد از دوم خرداد ۷۶ در تحلیل جامعه شناختی توهمی شان چنان به شوق آمده بودند که به دنبال رسمیت بخشی به «ظواهرات علیه خدا» بودند و فکر می کردند جامعه ایرانی آن قدر مدرن شده که می شود وارد بازخوانی انتقادی علیه عاشورا ایش کرد و در انتهای دوره خاتمی، خودشان مجبور شدند رای هایی را بشمارند که به «...والمستشهدين بين يديه» داده شده بود. در دهه نود، شهید علی خلیلی را به خاطر امر به معروف نکشند؟ ماجرای «گروه سگ های زرد» بازتاب همین نوع سبک زندگی و دلبستگی های مدرن در بین گروهی از نوجوانان و جوانان بود؛ رقصی بعد از برجام در میدان ونک و تجریش با ده لار هزار تومانی هم که یادمان نرفته است.

این ها همان هایی هستند که توهمات اقلیت محدودشان را خواسته اکثریت جامی زنده و ایران معاصر، بدمستی هایشان را در صحنه های گوناگون دیده است.

دبیر ستاد تحول رسانه ملی، افزود: این افراد، خواست اصلی را زیر عناوینی مثل زندگی و آزادی بزرگ می کنند و می خواهند بگویند ماجرا، فرهنگ و اجتماعی است، در حالی که آن چه با آن روبرویم کملا سیاسی است و بایک کاریکودتای تمدنی مواجه هستیم. کاریکاتوری کودکانه از کودتایی که غرب گر ها دو بیست سال است نمایش را دارند، اما قدرتش را ندارند.

تفاوتش با برخی اتفاقات قبلی این است که قبلاً غیظشان از این ناتوانی تاریخی و تمدنی را با کششگر مرم در مسجد گوهر شاد یا قتل شیخ فضل الله ها و مدرسه ها لندکی فرو می نشاندند اما حالا اگر دستشان از برخی ترورهایی که نمایش را دارند کوتاه است، این امکان را دارند تا با گسترش خشونت و فحاشی در فضای مجازی غیظشان را جعبه بزنند.

جلیلی، با اشاره به این که الان غرب زده ها چه کار می خواهند بکنند که نمی توانند؟ ادامه داد: ماجرا این است که مدرن ها؛ به پشتوانه حمایت های غرب، بر تری و غلبه می خواهند نه آزادی فرهنگی، کودتا و غلبه سیاسی طلب می کنند و می گویند می خواهیم مشروعبیت این

سبک زندگی را به دیگران تحمیل کنیم. «وما کان جواب قومه الا ان قالوا اخر جوهم من قریتمکم انهم اناس يتطهرون»، زورشان برسد می گویند هر کس را با فحش مخلف است؛ محدود و محصور و تبعید کنید

بله هنوز چادر کشیدن از سر زنان در خیابان ها برای شان میسر نیست؛ هنوز نمی توانند همه بسیجی ها را - مثل شهید آرمان علی وردی - به جرم استنکاف از توهین به رهبری آن طوری که می خواهند زجر کش کنند؛ اما خیلی محدود است آن ناهنجاری های فرهنگی که بخواهند در این جامعه لحام بدهند و امکانش به لحاظ فردی و غیر رسمی برای شان فراهم نباشد. می گویند می خواهیم ایرانی ها را مجبور کنیم که این سبک زندگی را مثل غرب به رسمیت بشناسند و به آن احترام بگذارند و زمینه را برای ترویج و گسترش آن اگر چه با هزاران سال هویت ایرانی در تقابل باشد؛ باز تر کنند، خودشان کلیپ منتشر می کنند و خیلی واضح هدفشان را «بی نلموسی» اعلام می کنند و اگر کسی در تجمعاتشان از نلموس حرف بزند طردش می کنند. تازه برای خودشان تقسیم کار هم کرده اند؛ بعضی پایان ایران جغرافیایی و عده های دیگر پایان ایران فرهنگی، را اعلام می کنند. در حالی که همان هایی که ایران جغرافیایی را حفظ کرده اند پای حفاظت از ایران فرهنگی، تاریخی و تمدنی نیز ایستاده اند. شهید ابرای